

فرایند قانونی شدن عهد عتیق در یهودیت و مسیحیت

محمد ضیاء توحیدی^۱

چکیده

در طول دوران عهد عتیق یعنی از زمان حضرت موسی تا زمان حضرت عیسی علیه السلام، در جامعه یهودی کتاب‌های پرشماری نوشته شده بود. این کتاب‌ها گاه مشتمل بر گزارش‌های تاریخی بود، گاهی در بردارنده تعالیم ایمانی و احکام شریعت و در برخی موارد نیز مشتمل بر پیشگویی بود. مشکلی که بعدها گریبان‌گیر جامعه یهودی و در دوران عهد جدید، گریبان‌گیر مسیحیان گردید، مسأله انتخاب کتاب‌های معتبر بود. رهبران یهودی و بعدها رهبران مسیحی می‌بایست برای تعیین کتاب‌های مقدس دست به کار می‌شدند تا جامعه را از سردرگمی در مورد گزارش‌ها و تعالیم متفاوت این کتاب‌ها رها سازند. البته این مشکل خود زمینه‌ساز مشکل دیگری گردید؛ زیرا در انتخاب این کتاب‌ها، اختلاف نظر فراوانی به وجود آمد. نوشتار حاضر به بررسی این موضوع که تحت عنوان فرایند قانونی شدن عهد عتیق مطرح می‌شود، می‌پردازد. در این نوشتار ابتدا به بررسی مراحل تاریخی و فرایند قانونی شدن عهد عتیق در میان یهودیان می‌پردازیم و سپس مسأله قانونی شدن این مجموعه، در جامعه مسیحی را بررسی می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: تورات، قانونی، عهد عتیق، یهودیت، مسیحیت، کتاب مقدس، عبری.

۱. کارشناسی ارشد ادیان ابراهیمی.

مقدمه

ریشه اختلاف نظر رهبران یهودی و مسیحی در تعیین و تعداد کتاب‌های مقدس را می‌توان در دو عامل اصلی جستجو کرد:

نخست آن که تعیین معیار و ملاک برای مقدس شمردن کتاب‌ها، برگرفته از تعالیم پیامبران الهی نبود، بلکه خود، این معیارها را تعیین می‌کردند. فقدان معیار ثابت و مقبول برای همگان، سبب بروز اختلاف‌های بسیاری در میان جامعه یهودی گردید؛ به طوری که برخی از آن‌ها تنها اسفار خمسه (تورات) را پذیرفتند؛ درحالی که تعداد کتاب‌های مقدس در دیگر گروه‌های یهودی به ده‌ها کتاب رسید.

عامل دیگر آن بود که برای تعیین مصادیق نیز، مرجع یکسانی وجود نداشت و یهودیان می‌بایست مشخص می‌کردند که کدامیک از کتاب‌های موجود، معیارهای لازم برای تقدس را دارد. این مسأله نتیجه ناخوشایندی را در پی داشت؛ زیرا اختلاف‌های زیادی در مورد تعیین کتاب‌های مقدس به وجود آمد و هر فرد، گروه یا فرقه‌ای برای خود کتاب‌هایی را مقدس می‌شمرد که دیگری آن را مقدس نمی‌دانست و معتقد به کتاب مقدس دیگری بود.

این دو عامل، سبب پیدایش دیدگاه‌های پرشماری در طول تاریخ یهودیت و پس از آن در دوران مسیحیت، در مورد تعیین کتاب‌های مقدس و عهد عتیق شد.^۱ البته مراد از کتاب‌های قانونی - که در مورد تاریخ نهایی شدن آن‌ها سخن می‌گوییم - تنها فهرست این کتاب‌هاست، نه نسخه مکتوب آن‌ها؛ زیرا به روشنی می‌دانیم که قدیمی‌ترین نسخه کتاب مقدس عبری موجود، نسخه الپو^۲ است که تاریخ نگارش آن به قرن نهم میلادی باز می‌گردد.^۳

اصطلاح «قانونی شدن»

اعتقاد عمومی بر آن است که عالمان یهودی کتاب‌های عهد عتیق را به مرور زمان به عنوان کتاب‌های معتبر و الهی پذیرفتند و در نهایت این کتاب‌ها بخشی از کتاب مقدس شدند. در اصطلاح به این فرایند، «قانونی شدن» می‌گویند و بر کتاب‌های پذیرفته شده، صفت «قانونی» را اطلاق می‌کنند.

۱. روشن است که اصطلاح عهد عتیق، اصطلاحی مسیحی است و یهودیان برای این مجموعه از اصطلاح «تنخ» استفاده می‌کنند.

2. Aleppo codex.

3. Van Der Toorn, 2009, p.234.

صفت «قانونی» برگرفته از واژه یونانی kanon (به معنای معیار یا قاعده) است.^۱ آتاناسیوس (۳۶۷ م) اولین کسی بود که این اصطلاح را برای اشاره به مجموعه پذیرفته شده کتاب‌های مقدس به کار برد. همچنین اولین بار او عبارت «قانونی شده»^۲ را با استفاده از کلمه kanonizomenon به کار برد. البته پیش از وی ائوسیبوس در سال ۳۲۵ م، اصطلاح یونانی endiatheke را که به معنای «عهد بسته شده» و نیز اصطلاح homologoumenon به معنای «شناخته شده» را در مورد کتاب‌های مقدس به کار برد.^۳

نکته مهمی که باید مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد، آن است که اصطلاحات «قانونی» و «قانونی شدن» اصطلاحاتی صرفاً مسیحی است که هرگز در ادبیات یهودی جایی نداشته‌اند. در میان یهودیان برای مشخص کردن قداست یک کتاب معمولاً از عبارت «دست‌ها را آلوده می‌سازند» استفاده می‌شد. این عبارت نشانه آن بود که دست زدن به این کتاب‌ها دارای شرایطی خاص است و به همین جهت، دست‌های انسان بدون کسب طهارت، آلوده است. بنابراین می‌توان گفت که عبارت «دست‌ها را آلوده می‌سازند» در ادبیات یهودی، مرادف «قانونی بودن» در ادبیات مسیحی است.^۴

تفاوت میان کتاب‌های قانونی و کتاب‌های الهامی

پیش از ورود به بحث، لازم می‌دانم به بررسی ارتباط میان قانونی شدن و الهامی بودن بپردازم. یکی از سؤال‌های اساسی در این بحث آن است که آیا قانونی بودن یک کتاب، به معنای الهامی بودن آن نیز هست یا آن که تلازمی میان قانونی بودن و الهامی بودن وجود ندارد؟ دیدگاه رایج مسیحی آن است که قانونی بودن یک کتاب، به معنای الهامی بودن آن است. به عبارت دیگر، تنها کتاب‌هایی که الهامی بوده و با هدایت روح القدس نگاشته شده باشند، مقدس و قانونی‌اند.^۵ در کتیکزم کلیسای کاتولیک به روشنی بر این مسأله تأکید شده است که تمامی کتاب‌های مقدس، ریشه در الهام الهی دارند و خداوند، مؤلف حقیقی کتاب‌های مقدس است.^۶ این دیدگاه ریشه در کتاب مقدس دارد؛ چرا که پولس در رساله دوم به تیموتاؤس تصریح

۱. مک گراث، ۱۳۸۵، ص ۲۰۷.

2. Canonized.

3. Rogerson, J. W. & Judith, M. Lieu, 2006, p. 783.

4. Trebolle 1998, Barrera, Julio. p.148

۵. میشل، ۱۳۷۷، ص ۶.

۶. مک گراث، ۱۳۸۵، ص ۲۲۹.

می‌کند: «تمامی کتب، از الهام خداست»^۱. بنابراین طبق دیدگاه رایج مسیحی، هر کتاب مقدس الزاما باید الهامی باشد و هر کتابی که الهامی بودن آن ثابت نشود، نمی‌تواند به مجموعه کتاب مقدس راه یابد.

در میان یهودیان نیز برخی معتقد بودند که کتاب مقدس، کتابی است که با اراده و الهام الهی نگاشته شود،^۲ اما برخی دیگر از عالمان یهودی، اعتقاد داشتند که هیچ تلازمی میان الهامی بودن و قانونی بودن وجود ندارد. ربی لیمن، دانشمند معروف یهودی، از مدافعان این نظریه است. وی بر این عقیده است که میان دو مفهوم قانونی و الهامی، باید تفاوت قائل شد. به نظر او «کتاب قانونی» کتابی است که در مورد اصول عقیدتی و اعمال دینی معتبر است، حتی اگر ریشه در وحی و الهام نداشته باشد، اما کتاب الهامی کتابی است که تحت الهام الهی نوشته شده است.

از نگاه لیمن ضرورتی وجود ندارد که کتاب قانونی، الزاما الهامی نیز باشد. هر کتاب الهامی می‌بایست جزء کتاب‌های قانونی قرار گیرد، اما ممکن است یک کتاب جزء کتاب‌های قانونی باشد، اما الهامی نباشد. در دوره تئائیم، تمام کتاب‌هایی که الهامی به شمار می‌رفت، در زمره کتاب‌های قانونی قرار می‌گرفت، اما کتاب‌هایی نظیر «جامعه» حتی نزد کسانی که به الهامی بودن آن معتقد نبودند، جزء کتاب‌های قانونی قلمداد می‌شد.

طبق استدلال لیمن که با گزارش‌های تاریخی نیز تأیید می‌گردد، در تاریخ یهودیت هر کتابی که الهامی تشخیص داده می‌شد، حتما در مجموعه عهد عتیق گنجانده می‌شد، اما این بدان معنی نیست که تمام کتاب‌های مقدس، الزاما باید الهامی بوده باشند. وی کتاب‌های متعددی ذکر می‌کند که جزء کتاب‌های قانونی‌اند، اما هیچکس الهامی بودن آن‌ها را نپذیرفته است. همچنین برخی از کتاب‌ها نظیر کتاب جامعه را حتی کسانی که آن‌ها را الهامی نمی‌دانستند، جزء کتاب مقدس محسوب می‌کردند.^۳

سنت قانونی شمردن و ریشه‌های آن در سنت یهودی

با مراجعه به کتاب مقدس می‌توان دریافت ریشه قانونی کردن را باید به آغاز شکل‌گیری یهودیت و زمان حضرت موسی علیه السلام بازگرداند. طبق نقل تورات، حضرت

۱. دوم تیموتاؤس ۳: ۱۶.

۲. مک گرات، ۱۳۸۵، ص ۲۲۸.

3. Trebolle 1998, Barrera, Julio. p,153

موسی علیه السلام پس از نگارش تورات، آن را به مشایخ بنی اسرائیل سپرد و به آنان دستور فرمود تا آن را در وقت‌های معینی بخوانند.^۱ همچنین در آیه ۲۶ از همین باب نیز نقل شده است که حضرت موسی علیه السلام تورات را به لایوان سپرد و به ایشان گفت:

«این کتاب تورات را بگیری و آن را در کنار تابوت عهد قرار دهی.»

به اعتقاد یهودیان و مسیحیان، این آیات و آیاتی از این دست، به روشنی نشانه آن است که ریشه‌های قانونی ساختن را باید به زمان حضرت موسی علیه السلام بازگرداند و اولین کسی که این کار را سنت ساخت، خود حضرت موسی علیه السلام بود.^۲

قانونی شدن کتاب‌های مقدس در یهودیت

شواهد تاریخی موجود نشان می‌دهد که قرن‌های متمادی در مورد کتاب‌های قانونی و معتبر، میان یهودیان نزاع و اختلاف وجود داشت. بخشی از این نزاع‌ها بر سر کتاب‌های مقدس عبری بود؛ یعنی کتاب‌هایی که به زبان عبری نگاشته شده بودند و بخش دیگری از این نزاع‌ها بر سر ترجمه سبعینیه بوده است. بنابراین ما در ابتدا به نزاع‌های موجود در مورد متن عبری کتاب مقدس و فرایند قانونی شدن این مجموعه و سپس به نزاع‌های موجود در مورد ترجمه سبعینیه خواهیم پرداخت. اما پیش از آن لازم است به معیارهایی که یهودیان برای انتخاب و تعیین کتاب مقدس به کار می‌بردند، اشاره کرد.

ملاک‌های یهودیان برای مقدس شمردن یک کتاب

با مطالعه و بررسی منابع یهودی می‌توان دریافت یهودیان برای مقدس شمردن هر کتاب، دو ملاک و معیار را در نظر گرفته بودند. این ملاک‌ها عبارت بود از نویسنده و قدمت کتاب. نخست باید نویسنده هر کتاب مشخص می‌شد و انتساب آن کتاب به وی مسلم می‌گردید. نویسندگان کتاب مقدس باید افرادی برجسته و مورد قبول جامعه یهودی می‌بودند. قدمت کتاب نیز برای یهودیان اهمیت زیادی داشت و بنابراین به کتاب‌هایی که در دوران معاصر آنان نگاشته شده بود، کمتر بها داده می‌شد.^۳ البته اکثر جامعه یهودی، نه همه آنان، این دو ملاک را پذیرفته بودند؛ زیرا

۱. تثنیه ۳۱: ۹ - ۱۳.

۲. یوسف خلیل، ۱۹۹۳، ص ۳۳.

3. Van Der 2009, Toorn, Karel. p.262-263

روشن است که تنها اسفار پنجگانه مورد پذیرش برخی یهودیان بود، بنابراین ملاک‌های فوق، از نظر آنان پذیرفتنی نبود.

نزاع‌ها در مورد کتاب‌های مقدس

گفته شد نزاع‌ها در مورد کتاب‌های مقدس، ریشه در دو عامل اصلی داشت: یکی تعیین معیارها و ملاک‌ها برای مقدس شمردن و دیگری تعیین مصادیق آن‌ها. هر یک از این دو عامل، سبب اختلاف‌های مهمی در میان یهودیان گردید که به نزاع‌های برخاسته از این دو عامل به صورت مجزا خواهیم پرداخت.

الف) نزاع در معیارها

پیش‌تر به این نکته اشاره کردیم که معیارهای لازم برای تقدس کتاب‌های مقدس، چندان مورد اتفاق نبود و میان گروه‌های مختلف یهودی، اختلاف‌هایی در این زمینه وجود داشت. عموم یهودیان به دو معیار پیش گفته (معتبر بودن نویسنده و قدمت کتاب) معتقد بودند، اما برخی از یهودیان نیز این معیارها را بی‌اعتبار می‌دانستند. همین اختلاف نظر سبب شد که کتاب مقدس سامری‌ها با دیگر گروه‌های یهودی کاملاً متفاوت باشد؛ زیرا کتاب مقدس آنان تنها مشتمل بر اسفار پنجگانه یا همان تورات بود.^۱ البته قبول اسفار پنجگانه و رد سایر کتاب‌های عهد قدیم، اختصاص به سامری‌ها نداشت، بلکه صدوقیان که در زمان ظهور حضرت عیسی علیه السلام دارای جایگاه مهمی در یهودیت بودند نیز در این مسأله همانند سامری‌ها بودند که تنها اسفار پنجگانه را می‌پذیرفتند و کتاب‌های انبیا و مکتوب‌ها را مقدس نمی‌دانستند.^۲ به نظر می‌رسد اسنی‌های منطقه قمران نیز در مورد معیار دوم یعنی قدمت کتاب، با دیگر یهودیان موافق نبودند. آن‌ها بر این عقیده بودند که الهام الهی با مرگ، ملاکی پایان نیافته است و بنابراین کتاب‌های دیگری به مجموعه کتاب‌های قانونی خود افزوده بودند. از جمله این کتاب‌ها می‌توان به کتاب اینوخ اشاره کرد که دارای مضامین مکاشف‌های بود.^۳ کتاب یوبیل نیز از جمله کتاب‌هایی بود که اسنی‌ها آن را معتبر و مقدس می‌دانستند.^۴

1. Ackroyd, P. R. and Evans, G 1.vol, 2008, F. p,143

2. Encyclopedia 16. Judaica, vol. p,30

3. Trebolle Barrera, 1998, Julio. p,153

4. Van Der Toorn, 2009, Karel. p,263

ب) نزاع در تعیین مصادیق واجد این معیارها

نزاع دوم که به مراتب، مهم‌تر و فراگیرتر بود، بر سر تعیین مصادیقی بود که دارای معیارها باشند. همین امر سبب بروز اختلاف‌های دامنه داری در میان یهودیان گشت؛ اختلاف‌هایی که قرن‌های متمادی دامنگیر جامعه یهودی گردید؛ مثلاً در مورد کتاب دانیال که جزء کتاب‌های متأخر بود، اختلاف نظرهای فراوانی وجود داشت.^۱ شاید بتوان علت این اختلاف نظر را به تاریخ نگاشتن این کتاب مرتبط دانست؛ زیرا این کتاب با تأخیر نگاشته شده بود و از این‌رو برخی یهودیان، این کتاب را قانونی و معتبر نمی‌شمردند.

به جز این دو عامل، محتوای برخی از کتاب‌ها نیز زمینه‌ساز اختلاف شده بود، حتی در مورد برخی از کتاب‌هایی که امروزه در کتاب مقدس قرار دارد، اختلاف نظرهای مهمی وجود داشت. برای مثال، در مورد اعتبار کتاب جامعه تردیدهایی وجود داشت؛ زیرا این کتاب مشتمل بر برخی تعالیم بدعت‌آمیز دانسته می‌شد. در مورد اعتبار کتاب استر نیز تردیدهایی وجود داشت. تردیدها از آن رو بود که در این کتاب داستان ازدواج میان یک یهودی از نسل هارون و یک فرد بیگانه نقل شده است و هیچ اشکالی هم بر این ازدواج گرفته نشده است؛ درحالی‌که چنین ازدواجی در آیین یهودی هرگز مجاز نبود.^۲

کتاب غزل غزل‌های سلیمان کتاب دیگری بود که نزاع‌های زیادی در اعتبار آن شکل گرفته بود. این کتاب پر از عبارات زشت و به دور از عفت است و همواره به عشق‌بازی با محبوبه خیالی خویش می‌پردازد. همین امر سبب غیر مقدس شمردن این کتاب گردید؛ چنان‌که ربی یوسه در مورد این کتاب به صراحت می‌گوید میان یهودیان بر سر اعتبار آن نزاع وجود دارد. موافقان اعتبار این کتاب به تفسیر روحانی این کتاب پرداختند و گفتند این کتاب تمثیلی از عشق بین بنی‌اسرائیل و خداست که در قالب الفاظ زمینی بیان گردیده است.^۳

کتاب‌های امثال سلیمان و حزقیال نیز از دیگر کتاب‌هایی بود که درباره اعتبار و تقدس آن‌ها میان یهودیان اختلاف‌های جدی وجود داشت و تمامی اختلاف‌ها به دلیل محتوای غیر مقبول یا بعضاً غامض آن‌ها بود.^۴

۱. الطرزی، ۲۰۰۱، ص ۲۰.

2. Trebolle Barrera, 1998, Julio. p, 154

۳. آنترم، ۱۳۸۵، ص ۷۳.

۴. کهن، ۱۳۸۲، ص ۱۶۳.

قانونی شدن کتاب مقدس عبری و دیدگاه‌ها

پس از بررسی نزاع‌ها و اختلاف‌های فراوان در مورد کتاب‌های مقدس، اینک باید به این مسأله بپردازیم که این اختلاف نظرها چه زمانی از میان رفت و به عبارت دیگر، قانونی شدن نهایی کل این مجموعه در چه زمانی محقق گردید.

در مورد چگونگی قانونی شدن کتاب مقدس عبری، هیچ گزارش موثق و معتبری در دست نیست و به همین دلیل است که دانشمندان از دیرباز تا به امروز، به گمانه‌زنی‌های مختلف و گاه بسیار متفاوتی در این باره پرداخته‌اند که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

دیدگاه اول

این دیدگاه به دو دانشمند یهودی به نام‌های دیوید کیمچی (۱۱۶۰-۱۲۳۲م)^۱ و الیاس لویتا (۱۴۶۵-۱۵۴۹م)^۲ نسبت داده می‌شود؛ بر اساس این دیدگاه عزرای نبی^۳ تمام کتاب‌های رسمی عهد عتیق را در قرن پنجم قبل از میلاد جمع‌آوری کرد و اعضای کنیسه بزرگ و از جمله خود عزرا آن را به رسمیت شناختند.^۴ طبق این نظریه، قانونی شدن مجموعه عهد عتیق در زمان خاص صورت پذیرفت.

مشکل اساسی این دیدگاه این است که در مورد برخی از کتاب‌های عهد عتیق، تا مدت‌ها پس از عزرا اختلاف نظر وجود داشت؛ از جمله می‌توان به کتاب غزل غزل‌های سلیمان و نیز کتاب جامعه اشاره کرد که در اعتبار و تقدس آن‌ها، اختلاف بود.

صاحبان این نظریه، در پاسخ به اشکال مزبور گفته‌اند:

اگر تعیین نوع و تعداد کتاب‌های رسمی کتاب مقدس منوط به این باشد که همه در مورد آن موافقت کنند، هیچ‌گاه نخواهیم توانست این موضوع را قطعی سازیم.^۵

1. David Kimchi.
2. Elias Levita.

۳. البته معمولاً در مورد عزرا از لقب کاهن استفاده می‌شود و نه «نبی».

۴. محمدیان، بهرام و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۵؛ تیسن، ص ۵۹.

۵. تیسن، بیتا: ص ۵۹.

بنابراین اختلاف نظرهای جزئی در مورد برخی از کتاب‌ها به قانونی شدن آن‌ها صدمه‌ای وارد نمی‌کند و پذیرش یک کتاب از سوی عموم جامعه یهودی برای قانونی شمردن آن کافی است.

➤ بررسی دیدگاه اول:

این نظریه دارای مشکلات متعددی است و امروزه کمتر کسی چنین دیدگاهی را می‌پذیرد. از یک طرف، می‌دانیم اختلاف‌نظرها در مورد برخی از کتاب‌های عهد عتیق، اختلاف جزئی یا چند نفره نیست، بلکه در درون جامعه یهودی، در اعتبار برخی از کتاب‌ها کاملاً دو دستگی وجود داشته است. حال چگونه می‌توان از قانونی شدن کتاب‌هایی سخن گفت که هرگز در مورد آن‌ها اتفاق نظر به وجود نیامده است؟ از دیگر سو، بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاریخ نگارش برخی از کتاب‌های عهد عتیق، به زمانی پس از دوره عزرا باز می‌گردد؛ از جمله این کتاب‌ها می‌توان به کتاب دانیال اشاره کرد. با مطالعه کتاب دانیال می‌توان به روشنی دریافت که هدف از نگارش آن دلگرمی دادن به یهودیان اورشلیم بود که زیر فشار حاکم ستمگر آن زمان یعنی «انتیوخوس چهارم» (۱۷۵-۱۶۴ ق.م) قرار داشتند. این مسأله به روشنی از متأخر بودن نگارش این کتاب حکایت دارد و درست به همین دلیل دانشمندان، تاریخ نگارش کتاب دانیال را در حدود سال‌های ۱۶۵ یا ۱۶۴ ق.م می‌دانند.^۱ البته این مسأله به کتاب دانیال اختصاص ندارد و کتاب‌های متعددی از عهد عتیق، پس از دوران عزرا به نگارش در آمده‌اند. بنابراین اعتقاد به قانونی شدن تمام کتاب‌های عهد عتیق در زمان عزرا نامعقول است.

دیدگاه دوم

این دیدگاه را که نظریه سه مرحله‌ای^۲ خوانده می‌شود، در سال ۱۸۷۱م دانشمند آلمانی «هاینریش گرتس»^۳ ارائه کرد.^۴ بر اساس این دیدگاه که تا مدت‌ها مورد قبول محافل علمی بود، کتاب مقدس عبری در سه مرحله، فرایند قانونی شدن را طی کرده است:

1. Davis, Manser, 313. P, 1998. Kenneth C 2009, Martin H. p,401

2. Three-stage theory.

3. Heinrich Graetz.

4. Van Der 2009, Toorn, Karel. p,234

اولین مرحله مربوط به اسفار پنجگانه (تورات) است. این مجموعه در زمان عزرا و نحμία قانونی اعلام گردیده است؛ چنان که در خود کتاب مقدس نیز به این مطلب اشاره شده است.^۱

دومین مرحله مربوط به کتاب‌های انبیاست. این مجموعه اگرچه در زمان اسارت بابلی جمع گردید، اما قانونی شدن آن به معنای امروزی، اندکی پیش از سال ۲۰۰ قبل از میلاد به وقوع پیوست.

دلیل ذکر شده در این مورد، مطلبی است که نوه یشوع ابن سیراخ که آثار جدش را به یونانی ترجمه کرده، آن را نگاشته است. وی در یکی از آثار خود چنین می‌نویسد: « یشوع عمر خود را به تدریس کتاب تورات و کتب انبیا وقف کرده بود.» این مطلب نشانه آن است که در زمان یشوع این کتاب‌ها قانونی بوده است و چون طبق نظر مشهور، کتاب یشوع ابن سیراخ در سال ۱۸۰ قبل از میلاد نگاشته شده است، پس باید کتاب‌های انبیا مدتی پیش از نگارش این اثر قانونی شده باشد.

مجموعه مکتوب‌ها نیز در سومین مرحله قانونی شده است. بر اساس دلایل موجود، با اطمینان می‌توان گفت که این کتاب‌ها پیش از سال ۷۵ قبل از میلاد قانونی شده‌اند؛ زیرا طبق نقل تلمود، سیمون بن شیتاخ^۲ در سال ۷۵ قبل از میلاد از کتاب‌های جامعه و امثال سلیمان استفاده کرده و در مورد آن‌ها عباراتی نظیر «مکتوب» یا «کتاب می‌گویند» را به کار برده است.

شاهد دیگر آن که فیلوی یهودی در سال ۴۰م، اکثر اسفار عهد عتیق و از جمله مکتوب‌ها - به جز حزقیال، دانیال، راعوث، استر، مراثی ارمیا و جامعه - را مورد اقتباس قرار می‌دهد و همین مسأله، نشان دهنده آن است که بخش مکتوب‌ها در زمانی پیشتر از این، قانونی شده بود.^۳ پس طبق این دیدگاه، قانونی شدن و نهایی شدن مجموعه کتاب‌های عهد عتیق در شورای جامنیا در سال ۹۰م صورت پذیرفته است.^۴ در این شورا کتاب‌های اضافی موجود در ترجمه سبعینیه که در متن عبری وجود نداشتند، مردود شمرده شدند و متن عبری کتاب مقدس، نسخه معتبر شناخته شد.^۵

۱. نحμία ۸: ۱ - ۸

2. Simon Ben Shetach.

۳. یوسف خلیل، ص ۳۸ - ۳۹. همچنین ر.ک:

Van Der Toorn, 2009, karel. P,235.

۴. وان وورست، ۱۳۸۴، ص ۴۳.

۵. یوسف خلیل، ص ۳۹.

این نظریه هم با یک مشکل جدی مواجه است که بر اساس گزارش‌های تاریخی موجود، مسلم است پس از این تاریخ نیز همچنان اختلاف نظر در مورد کتاب‌های قانونی وجود داشته است و برخی از گروه‌های یهودی، تصمیمات این شورا را نپذیرفته بودند.

این اشکال تا حدودی پذیرفته شده است، اما باید توجه داشت که این اختلاف نظرها در حدود نیم قرن بعد به طور کلی از میان رفت و در حدود سال ۱۵۰م، همگان این تصمیم شورا را به طور کامل پذیرفتند.^۱ بنابراین باید گفت بی‌تردید قانونی شدن و نهایی شدن این مجموعه در شورای جامنیا و یا نهایتاً اندکی پس از آن، محقق گردیده است.

➤ بررسی دیدگاه دوم

این دیدگاه تا مدت‌ها، مورد قبول دانشمندان بود. عموم دانشمندان با اندکی تغییر در مورد این دیدگاه، آن را پذیرفته بودند. بنابر عقیده دانشمندان، قانونی شدن تورات در حدود سال ۴۵۰ق.م رخ داده است. کتاب‌های اثبیا در حدود سال ۲۰۰ق.م و مکتوب‌ها نیز در حدود سال ۱۰۰م قانونی شده‌اند.

در سایه مطالعات و پژوهش‌های جدید، این دیدگاه امروزه ارزش و اعتبار خود را از دست داده است و دیگر در میان دانشمندان، طرفدار چندانی ندارد.

مهم‌ترین اشکال این نظریه آن است که تاریخ نهایی قانونی شدن عهد عتیق را در زمان شورای جامنیا دانسته است، درحالی‌که مطالعات نقادانه در مورد منابع حاخامی، عموم دانشمندان را متقاعد کرده که در تاریخ اصلاً شورایی به نام جامنیا وجود نداشته است. ذکر این شورا تنها یک مسأله تاریخی - تخیلی است که مسیحیان آن را بر سر زبان‌ها انداخته‌اند. به همین دلیل است که نظریه سه مرحله‌ای به طور کلی از درجه اعتبار ساقط می‌گردد؛ زیرا شورای جامنیا رویداد تاریخی نیست و وجود چنین شورایی تنها می‌تواند یک فرضیه قلمداد گردد.^۲

دیدگاه سوم

دیدگاه سوم به دانشمندان سنتی تعلق دارد. دانشمندان محافظه کار این باور سنتی را دارند که هر یک از کتاب‌های عهد عتیق، مدت کوتاهی پس از نگارش و تکمیل آن، قانونی شده است. بنابراین پس از نگارش کتاب، ملاکی که آخرین کتاب

۱. یوسف خلیل، ص ۳۹.

2. Van 2009, Der Toorn, Karel. p.235

عهد عتیق است، مجموعه کتاب مقدس عبری تکمیل شده است و در نتیجه، فرایند قانونی شدن در حدود سال‌های ۴۰۰ تا ۳۵۰ ق.م به پایان رسیده است.^۱

نکته جالب توجه آن که پژوهش‌های اخیر در این حوزه که از سال ۱۹۷۰م به بعد صورت گرفت، نتیجه‌ای نزدیک به باور دانشمندان سنتی را پیش روی دانشمندان قرار داده است. در سایه پژوهش‌های جدید، امروزه عموم محققان^۲ معتقدند قانونی شدن متون مقدس، هرگز تصمیمی قراردادی که پس از تدوین یا تکمیل شدن یک متن صورت گرفته باشد، نبوده است، بلکه این متون به اندازه رشد و بالندگی‌شان از اعتبار و قانونی شدن برخوردار بودند.

هسته اولیه قانونی شدن بسیار زود شکل گرفت و اندکی بعد، از اعتبار چشمگیری برخوردار شد. زمانی که دیگرمتن‌ها افزوده شد، این مجموعه به ساختار امروزی‌اش درآمد. از نگاه این دانشمندان، همین نکته می‌تواند علت یکپارچه بودن تاریخی و الهیاتی مجموعه بزرگ داستانی کتاب مقدس را که از کتاب پیدایش آغاز می‌شود و تا کتاب پادشاهان ادامه دارد، آشکار سازد.

همین مسأله را در مورد کتاب‌های انبیا نیز می‌توان تصور کرد. بنابراین نویسنده اخیر این کتاب‌ها، نگارش کتاب خویش را بر اساس کتاب‌های سلف خویش که پیشتر اعتبار یافته و قانونی شده بودند، نگاشته است؛ درست مشابه همان مثالی که در مورد کتاب‌های تاریخی عهد عتیق ذکر کردیم.

باز همین مسأله می‌تواند توجیه‌گر یکپارچگی و اتحاد نگارشی کتاب‌های انبیا باشد. احتمالاً این بخش‌های سه گانه کتاب مقدس در کنار هم مراحل رشد و بالندگی خود را طی کرده‌اند. البته برخی از دانشمندان باور دارند که بخش‌های داستانی و نبوتی عهد عتیق، در نهایت مورد بازنگری قرار گرفته‌اند.^۳

به هر حال، چنان که گفته شد، دیدگاه اخیر تا حدود زیادی نزدیک به باور دانشمندان سنتی است. دانشنامه دین یهودی آکسفورد^۴ این باور سنتی یهودیان را چنین ذکر کرده است:

هیچ گزارشی وجود ندارد... که در آن زمان یا مکان معین مانند شورای خیالی جامنیا برای کتاب‌های قانونی تعیین شده باشد و هیچ سازمانی نبوده

1. Manser, Martin 2009. H. P, 401.

۲. البته نظریات دیگری نیز در این زمینه مطرح است. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک:

Van Der Toorn, Karel, Scribal Culture and the Making of the Hebrew Bible, (Harvard University Press, 2009), P, 236-247

3. Manser, Martin, 2009, H. P, 401

4. The Oxford Dictionary of the Jewish Religion.

است که دارای اقتدار این‌چنینی باشد و بتواند کتاب‌های قانونی را مشخص کند که در تاریخ یهودیت وجود نداشته است. قانونی شدن کتاب مقدس امر قهری و فرایند تدریجی بوده که طی آن این کتاب‌ها مورد قبول عموم مردم قرار گرفت و باور عمومی بر آن گردید که این کتاب‌ها از قدمت زیادی برخوردار است و با الهام الهی نگاشته شده است.^۱

البته باید توجه داشت که اگرچه دانشمندان جدید در مورد کلیت چگونگی این فرایند با دانشمندان سنتی تا حدودی موافق بوده‌اند، اما تفاوت مهمی میان این دو دیدگاه وجود دارد. دانشمندان محافظه کار تاریخ نهایی شدن کتاب مقدس را در قرن چهارم پیش از میلاد می‌دانند؛ زیرا به اعتقاد آنان، آخرین کتاب این مجموعه در همین قرن نگاشته شده است.^۲ این در حالی است که به اعتقاد دانشمندان جدید، آخرین کتاب این مجموعه (کتاب مقدس عبری) یعنی کتاب دانیال در قرن دوم قبل از میلاد نگاشته شده است.^۳ بنابراین تاریخ نهایی قانونی شدن این بخش، باید مدتی پس از نوشتن این کتاب بوده باشد.

قانونی شدن ترجمه سبعینیه

ترجمه سبعینیه، ترجمه یونانی کتاب مقدس عبری است. در مورد تاریخ و مترجمان این اثر، اطلاع دقیق و معتبری در دست نیست. گفته می‌شود این ترجمه در قرن سوم پیش از میلاد، به دستور بطلمیوس فیلاذلفیوس^۴ (۲۸۵-۲۴۷ ق.م) «نگاشته شود».^۵

داستان مربوط به نگارش ترجمه سبعینیه، در رساله‌ای تحت عنوان رساله اریستیاس ذکر شده است. طبق گزارش نامه اپوکریفایی اریستیاس^۶ به خواسته پادشاه، ۷۲ عالم یهودی یعنی شش نفر از هر قوم بنی اسرائیل (اسباط دوازدهگانه) از اورشلیم به کتابخانه اسکندریه (در مصر) رفتند تا ترجمه تورات (اسفار خمسه) را در آن جا به آن جام رسانند.^۷

1. Van Der Toorn, , 2009, Karel. P, 235

2. Manser, Martin H, 2009. P, 401.

3. Ibid 1998 , Davis, Kenneth C; 401. P, 313.

4. Ptolemy Philadelphus

۵. پیترز، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۵۳.

6. Aristeas.

7. Trebolle 1998 ,Barrera, Julio. p,302.

البته این داستان فاقد ارزش تاریخی است و صرفاً داستانی اسطوره‌ای به شمار می‌رود.^۱ با این حال، باید توجه داشت که اگرچه جزئیات ذکر شده در این داستان و نیز تاریخ مذکور، غیر واقعی است، اما کلیات آن مبتنی بر واقعیت است. در حقیقت یهودیان در اسکندریه مصر این ترجمه را نوشتند، اما نه در تاریخی که عالمان سنتی ادعا می‌کنند.^۲ پژوهش‌ها نشان می‌دهد آغاز این ترجمه به قرن سوم قبل از میلاد باز می‌گردد و اتمام آن نیز در اوایل قرن دوم میلادی صورت گرفته است. بنابراین تکمیل این ترجمه طی مدت بسیار طولانی یعنی حدود چهارصد سال بوده است و هرگز در برهه خاص زمانی، چنان که در نقل‌های اساطیری آمده، نگاشته نشده است.^۳ نگارش کتاب‌های مختلف این ترجمه نیز در یک مکان نبوده است. برخی از کتاب‌ها از جمله اسفار خمسه (تورات)، داوران، اول و دوم سموئیل، اول و دوم پادشاهان، سوم مکابیان، مزامیر، ایوب، کتاب‌های انبیای کوچک (دوازدهگانه) و... در اسکندریه و برخی دیگر در فلسطین ترجمه شده‌اند؛ از جمله این کتاب‌ها عبارت‌اند از: روت، استر، جامعه، غزل غزل‌ها، مراثی ارمیا، یهودیت، اول مکابیان.^۴

البته باید توجه داشت که عنوان ترجمه سبعینیه در ابتدا تنها برای اشاره به ترجمه یونانی تورات به کار می‌رفت. علتش آن بود که اولین بخش عهد عتیق که به یونانی ترجمه شد، کتاب تورات بود و ترجمه سایر بخش‌های کتاب مقدس به مرور زمان و مدت‌ها بعد آن جام گردید.^۵ به هر حال، با مراجعه به این متن می‌توان دریافت این ترجمه با متن اصلی عبری دارای تفاوت‌های زیادی است. برخی از کتاب‌های آن دارای آیات و حتی باب‌های بیشتری نسبت به متن اصلی هستند. افزون بر این، تعدادی کتاب نیز بر این ترجمه اضافه شدند؛ کتاب‌هایی که هرگز در متن اصلی عبری وجود نداشتند و به خوبی روشن است که مترجمان، آن‌ها را به مجموعه عهد عتیق، افزوده‌اند.^۶

وجود این تفاوت‌های فراوان، سبب بروز اختلاف در مورد اعتبار این ترجمه گردید؛ زیرا با مقایسه این کتاب با متن عبری روشن گردید که این اثر بیش از آن که بتواند عنوان ترجمه را بر خود داشته باشد، اثری مستقل و در کنار کتاب مقدس عبری است.

۱. الطرزی، ۲۰۰۱، ص ۱۹.

2. Trebolle Barrera, 1998, Julio, P, 303.

3. Carson, Thomas and Cerrito, 12. vol, 2003, Joann. P, 920.

4. Trebolle Barrera, Julio, 1998, p, 303.

5. Ibid, p, 303-304.

6. Ibid, P, 303-304.

ترجمه سبعینیه در قرن‌های اول پیش از میلاد تا اول میلادی

حقیقت آن است که اطلاع از میزان اعتبار و رواج ترجمه سبعینیه در جامعه یهودی بسیار مشکل است و نیازمند بررسی دقیق و علمی است. علت امر آن است که دانسته‌های ما در مورد جامعه یهودی و کتاب‌های مقدس آنان در این برهه زمانی، ناقص و محدود است.^۱ برای مثال، می‌دانیم که ترجمه سبعینیه در حوزه اسکندریه نگاشته شد و در میان یهودیان این سامان رایج بود، اما این سؤال اساسی پیش روی دانشمندان باقی است که آیا این ترجمه که به عنوان کتاب مقدس، مورد پذیرش یهودیان این منطقه قرار داشت، در میان یهودیان سایر مناطق مثلاً در میان یهودیان فلسطین نیز معتبر بود؟^۲

پاسخ به این سؤال چندان آسان نیست. ممکن است بگوییم هم یهودیان اسکندریه و هم یهودیان هلنیستی (یونانی ماب) در دوران دیاسپورا (آوارگی بزرگ)، کتاب‌های اضافی در ترجمه سبعینیه را پذیرفته بودند، اما این فرضیه نمی‌تواند پذیرفته باشد و هیچ شاهد قابل اعتنایی وجود ندارد که جوامع یهودی در دوران آوارگی بزرگ (دیاسپورا) تا زمان شورای جامنیا (اواخر قرن اول میلادی) از این ترجمه استفاده کرده باشند.^۳

با این حال، شواهد غیر مستقیمی وجود دارد که می‌تواند فرضیه فوق را تقویت کند. طبق گزارش‌های موجود تاریخی، کتاب ابن سیراخ در میان یهودیان فلسطین و نیز در میان برخی از گروه‌های یهودی شرقی که با یهودیان فلسطین مرتبط بودند، رایج بوده است.^۴ از آنجا که این کتاب تنها در ترجمه سبعینیه وجود دارد و در متن عبری کتاب مقدس وجود ندارد، می‌توان استنباط کرد احتمالاً ترجمه سبعینیه در این منطقه رواج داشته و در نتیجه قانونی بوده است. همچنین ساکنان منطقه قمران که اطلاعات زیادی از آنان به دست ما رسیده است، کتاب‌های طوبیت، ابن سیراخ و نیز به احتمال فراوان کتاب باروخ را معتبر می‌دانسته‌اند.^۵ اعتبار این کتاب‌ها در جامعه قمران، می‌تواند شاهی محکم بر رواج و اعتبار ترجمه سبعینیه در میان مردم این منطقه تلقی گردد.

۱. الطرزی، ۲۰۰۱، ص ۱۹-۲۰.

2. Ackroyd, P. R. and Evans, G F. 145. p, 1. vol, 2008 eds

3. Ibid, vol. p, 145

۴. الطرزی، ۲۰۰۱، ص ۲۰.

۵. همان.

کتاب‌های قانونی یهودیان از قرن اول میلادی تاکنون

گفته شد که کتاب مقدس عبری، طی مدت طولانی و به مرور زمان فرایند قانونی شدن را طی کرده است. هر یک از کتاب‌های این مجموعه، مدتی پس از نگارش در جامعه یهودی رواج یافته و به مرور زمان از اعتبار و مقبولیت برخوردار شد.

ترجمه سبعینیه که در طی حدود چهارصد سال به نگارش درآمد نیز برای مدتی در میان گروه‌های مختلفی از یهودیان معتبر تلقی می‌شد، اما اکنون باید به بررسی ادامه این روند بپردازیم و مشخص کنیم که از قرن اول میلادی تا به امروز، چه دیدگاهی در جامعه یهودی مقبول بوده است. پیشتر گفتیم شورای جامنیا، فاقد پشتوانه تاریخی است و صرفاً ساخته ذهن مسیحیان قرن‌های نخست است. پس این دیدگاه که تصمیم‌گیری در مورد ترجمه سبعینیه در این شورا صورت گرفته باشد، پذیرفتنی نیست. با این حال از نگاه دانشمندان و نیز طبق مدعای خود یهودیان، جامعه یهودی از قرن اول میلادی تاکنون در مورد کتاب‌های قانونی به اتفاق نظر رسیده‌اند. آنان ترجمه سبعینیه را مردود می‌شمردند و تنها ۳۹ کتاب عهد عتیق^۱ را که بعدها مورد قبول مسیحیت پروتستان قرار گرفت، می‌پذیرند؛

البته باید توجه داشت که از نظر یهودیان، تعداد این کتاب‌ها ۲۴ عدد است چراکه یهودیان، کتاب‌های اول و دوم سموئیل را یک کتاب می‌شمردند. همچنین هر یک از کتاب‌های اول و دوم پادشاهان و نیز اول و دوم تواریخ ایام را در هم ادغام می‌کنند. کتاب‌های عزرا و نحمیا نیز یک کتاب شمرده می‌شوند. از طرف دیگر، «اسفار دوازدهگانه» یعنی «کتاب‌های انبیای کوچک» را یک کتاب می‌شمردند و بنابراین تعداد کتاب‌های قانونی را ۲۴ کتاب می‌دانند.^۲ در تلمود بابلی نیز تعداد کتاب‌های مقدس ۲۴ کتاب دانسته شده است.^۳

در مورد این ۲۴ کتاب قانونی، نقل‌های اساطیری نیز وجود دارد. در یکی از کتاب‌های اپوکریفایی عهد قدیم^۴ که به عزرا منسوب گردیده، در مورد کتاب‌های قانونی عهد عتیق آمده است عزرا تحت الهام الهی، متن ۹۴ اثر از جناب موسی علیه السلام

۱. روشن است که اصطلاح عهد عتیق، اصطلاحی مسیحی است و یهودیان این عنوان را نمی‌پذیرند. آنان برای اشاره به این مجموعه از تعابیر دیگری نظیر «تنخ» استفاده می‌کنند اما من در این نوشتار همواره از همان اصطلاح متبادر به ذهن یعنی «عهد عتیق» استفاده کرده‌ام.

۲. یوسف خلیل، ۱۹۹۳، ص ۳۱.

3. Van Der Toorn, Karel, 2009, p.234.

۴. دوم عزرا ۱۴: ۴۴ - ۴۶

را به پنج کاتب منتقل کرد. ۲۴ کتاب از آن‌ها منتشر گردید که همگان، چه افراد لایق و چه افراد نالایق، می‌توانند آن‌ها را بخوانند، اما بر هفتاد کتاب دیگر مهر نهاد و آن را برای حکیمان باقی گذاشت.^۱

گفتنی است در مورد تعداد کتاب‌های عهد عتیق، قول دیگری نیز موجود است. ائوسیبوس، مورخ مشهور کلیسا در قرن چهارم، نقل می‌کند یوسیفوس، دانشمند مشهور یهودی، در کتاب خویش تعداد کتاب‌های مقدس را ۲۲ کتاب دانسته است.^۲ به اعتقاد عموم دانشمندان، او در مورد کتاب‌های مقدس با دیگر یهودیان هم‌عقیده بود و بنابراین تفاوت دیدگاه وی در مورد کتاب‌های عهد عتیق، صرفاً برخاسته از ادغام برخی از کتاب‌هاست، نه آن‌که وی برخی از کتاب‌های عهد عتیق را مردود شمرده باشد. برخی احتمال می‌دهند وی کتاب‌های روت و داوران را یکی دانسته و کتاب‌های ارمیا و مراثی ارمیا را نیز در هم ادغام کرده است.^۳

پذیرش کتاب‌های عهد عتیق از سوی مسیحیان

از نگاه مسیحیان، عهد قدیم کاملاً معتبر است. با نگاهی گذرا به عهد جدید می‌توان دریافت نویسندگان عهد جدید همواره به عهد قدیم تمسک می‌کردند و همین مسأله نشان از اعتبار کامل عهد عتیق در میان آنان دارد.^۴ همچنین پولس با صراحت اعلام می‌دارد تمام کتب، الهام خداست. بدیهی است که این سخن پولس نمی‌تواند در مورد عهد جدید باشد؛ چه اینکه رسالات پولس اولین نوشته‌های مسیحیت به شمار می‌آید و تا نزدیک به دو قرن پس از وی، هنوز کانون عهد جدید مشخص نشده بود.^۵

این نوع نگرش را در تعالیم خود حضرت مسیح علیه السلام می‌توان یافت. آن حضرت که خود، عضوی از جامعه یهودی بود، همانند سایر یهودیان به عهد عتیق معتقد بود، به آن استناد می‌کرد و به تفسیر آن می‌پرداخت.^۶

البته باید توجه داشت در مورد تعداد کتاب‌های عهد عتیق در میان مسیحیان هیچ‌گاه اتفاق نظر وجود نداشته است. با این حال، تا قرن‌ها اکثر مسیحیان (و نه تمام مسیحیان) در مورد تعداد کتاب‌های قانونی با یکدیگر

1. Van Der Toorn, Karel, 2009, p.234.

2. Eusebius, Church History, 3.10.1, in: Nicene and Post-Nicene Fathers, Series II, Vol. I.

3. Ibid, p.234.

4. Peter Byrne and Leslie 1995, Houlden. p, 47.

۵. محمدیان، بهرام و دیگران، ۱۳۸۰، ص ۵۱۲.

6. L. Geisler, Norman, 1999, p. 59.

هم عقیده بودند، تا اینکه بعدها و در قرن شانزدهم میلادی، اختلاف نظر مهمی در مورد تعداد کتاب‌های عهد عتیق به وقوع پیوست؛ اختلاف نظری که ریشه در پذیرش یا رد ترجمه سبعینیه داشت.

راه‌یابی کتاب مقدس عبری و ترجمه سبعینیه به جامعه مسیحی

حضرت عیسی علیه السلام به عنوان بنیانگذار مسیحیت، فردی یهودی بود و کتاب‌های یهودیان را پذیرفته بود. به همین دلیل مسیحیان به پیروی از رهبر خویش، کتاب‌های یهودیان را - که البته تا این زمان هنوز به صورت نهایی و در قالب یک کتاب معین، در نیامده بود - پذیرفته بودند.^۱ از نگاه آنان استنادهای مکرر حضرت مسیح علیه السلام به کتاب مقدس^۲ که گزارش آن در انجیل‌ها آمده، دلیل بر آن است که او عهد عتیق را معتبر می‌دانست.^۳ اما از آن‌جا که مسیحیت در کلیسای اولیه بیشتر در مناطق یونانی زبان گسترش یافت، مسیحیان نیز از ترجمه یونانی کتاب مقدس استفاده می‌کردند.^۴ این امر سبب گردید تا بسیاری از مسیحیان، محدود شدن کتاب مقدس به عهد عتیق عبری را نپذیرند و به شدت از اعتبار ترجمه سبعینیه دفاع کنند. اوریگن در اواخر قرن سوم میلادی علیه کسانی که کتاب مقدس را محدود به مصوبات شورای جامنیا می‌دانستند، برخاست؛ وی کتاب‌های معتبر را منحصر در مصوبات این شورا نمی‌دانست.^۵ همین مسأله موجب چندگانگی و بروز تفرقه در جامعه مسیحی گردید. در قرن پنجم میلادی، جروم (متوفی ۴۲۰م) که دانشمند و الهی‌دانی برجسته بود، در صدد پایان دادن به این اختلاف‌ها برآمد. او مقصود خویش را از طریق ترجمه ولگیت آن‌جام داد، اما در این راه موفق نشد.^۶

تعیین کتاب‌های قانونی عهد عتیق در جامعه مسیحی

در طول چند قرن اول میلادی، عالمان مسیحی، فهرست‌های متعددی در مورد کتاب‌های مقدس عهد عتیق عرضه کردند. احتمالاً تعیین این کتاب‌ها اولین بار در سال ۱۷۰م بوده است. شخصی به نام میلیتس که اسقف «ساردس» بود، اسفار

1. 30. p. 2005. Ehrman, Bart D.

۲. برخی از این موارد عبارتند از: متی ۵: ۱۷-۱۸؛ لوقا ۲۴: ۲۷ و ۴۴ و ۴۵؛ یوحنا ۱۰: ۳۴ - ۳۶.

۳. الامیر کانی، قس جیمس انس، ۱۸۸۸، ج ۱، ص ۶۶؛ تیسن، بیتا، ص ۵۶.

4. Achtemeier, Paul J. 1996, p. 168 ed

۵. الطرزی، ۲۰۰۱، ص ۲۱.

6. Ibid, p. 168.

مقدس را همانند دیدگاه یهودیان برشمرد، اما کتاب استر را از مجموعه کتاب‌های معتبر خارج دانست.^۱

چندی بعد و در قرن سوم میلادی، اوریگن فهرست کتاب‌های عهد عتیق را مشابه همان دیدگاه یهودیان معرفی کرد. البته او نیز همانند یهودیان، برخی از کتاب‌های عهد قدیم را در هم ادغام کرده بود. او در ادغام کتاب‌های عهد عتیق، از روش یوسیفوس بهره جست. وی کتاب‌های روت و داوران را در هم ادغام کرده و کتاب‌های ارمیا و مراثی ارمیا را نیز یک کتاب دانسته بود و به این ترتیب تعداد کتاب‌های قانونی ۲۲ کتاب معرفی می‌شد. البته او افزون بر این کتاب‌ها، دو کتاب مکابیان را نیز به این مجموعه اضافه کرد.^۲

اما آتاناسیوس در رساله خویش که آن را در سال ۳۶۵ م نگاشت، افزون بر کتاب‌های مقدسی که در شورای جامنیا - که مسیحیان آن را واقعه‌ای تاریخی می‌دانستند - معتبر شمرده شده بود، کتاب‌های طوبیت، یهودیت، یسوع ابن سیراخ و حکمت سلیمان را هم به آن‌ها ضمیمه کرد و آن‌ها را هم مقدس برشمرد.

از دیگر سو، جرورم در قرن‌های چهارم و پنجم میلادی، تنها کتاب‌های مصوب شورای جامنیا را معتبر دانست و دیگر کتاب‌ها را به عنوان کتاب‌های غیر مقدس معرفی کرد. از نگاه او این کتاب‌ها جزء کتاب‌های قانونی نبودند و الهامی به شمار نمی‌آمدند. به همین دلیل وی بر آن بود که این کتاب‌ها نمی‌توانند به عنوان منبع عقاید مسیحی به شمار آیند و در عین حال کتاب‌های مذکور را، بی‌ارزش نمی‌دانست و معتقد بود تعالیم اخلاقی آن‌ها می‌تواند برای مسیحیان معتبر و مفید باشد.^۳

به هر حال، تعیین کتاب‌های معتبر و قانونی عهد عتیق، برای اولین بار و به صورت رسمی در سال ۳۹۳ م در شورای هیپو^۴ صورت پذیرفت. در این شورا دیدگاه شورای جامنیا که مسیحیان آن را به عنوان شورای تاریخی پذیرفته بودند، در رد نسخه یونانی کتاب مقدس پذیرفته نشد و اعتبار ترجمه یونانی کتاب مقدس مورد پذیرش قرار گرفت. اندکی بعد این دیدگاه در دو شورای کارتاژ^۵ که در سال‌های

۱. یوسف خلیل، ۱۹۹۳، ص ۳۹.

2. Eusebius, Church History, in: Nicene and Post-Nicene, 6.25.2 Fathers, Series II, Vol. I.

۳. یوسف خلیل، ۱۹۹۳، ص ۳۹.

4. Council of Hippo.

5. Carthage.

۳۹۷ و ۴۱۹م برگزار شد نیز مورد قبول و تأیید قرار گرفت.^۱ عموم مسیحیان این دیدگاه را پذیرفتند و تا زمان اصلاحات در مورد آن اختلاف نظری وجود نداشت. در عصر اصلاحات نیز مارتین لوتر در مورد اسفار قانونی اعتراضی نشان نداد و حتی در اعترافنامه آوگسبورگ (۱۵۳۰م) چیزی در مورد اسفار کتاب مقدس ذکر نشد. اما تسوینگی و کالون در این مورد، رویکردی متفاوت را در پیش گرفتند. آن‌ها کتاب‌های قانونی را ذکر کردند و آن‌ها را همان کتاب‌های پیدایش تا ملاکی یعنی ۳۹ کتاب دانستند.

در مواجهه با این امر بود که کلیسای کاتولیک، شورای ترنت^۲ را برگزار و اعلام کرد که نظر شوراهای هیپو و کارتاز معتبر و صحیح است و کتاب‌های پیدایش تا ملاکی، کتاب‌های «قانونی اولی» و دیگر کتاب‌های موجود در ترجمه یونانی، کتاب‌های «قانونی ثانوی» هستند.^۳

دیدگاه فرقه‌های مسیحی در مورد تعداد کتاب‌های قانونی

در مورد تعداد کتاب‌های مقدس، در میان فرقه‌های مسیحی اختلاف نظر وجود داشته است، اما پیش از ذکر این دیدگاه‌ها، لازم است اختلاف مبنایی کلیساهای کاتولیک و پروتستان را در مورد مسأله قانونی شدن بیان کنیم.

کلیساهای کاتولیک و ارتدکس، کتاب مقدس را اولین قاعده ایمان می‌دانند. بنابراین حجیت کتاب مقدس را، هم از درون این کتاب - چنان‌که مسیحیان پروتستان اثبات می‌نمایند - و هم از طریق سایر منابع معتبر اثبات می‌کنند.^۴ از نگاه آنان، اساس مرجعیت کتاب مقدس، آن است که کلیسا به عنوان مرجع معتبر و مقتدر، آن را بپذیرد.^۵

در کتکیزم^۶ کاتولیک (۱۹۹۴م) آمده است: خدا نویسنده کتاب مقدس است. واقعیات وحیانی و الوهی که در متن کتاب مقدس مندرج و ارائه شده، با الهام روح القدس نوشته شده‌اند؛ زیرا کلیسای مادر مقدس، با ابتنا بر ایمان عصر رسولان،

۱. یوسف خلیل، ۱۹۹۳، ص ۳۹.

2. Council of Trent.

۳. همان، ص ۳۹-۴۰.

۴. رام، برنارد؛ پیشین؛ ص ۳.

۵. مک گراث، ۱۳۸۵، ص ۲۲۸.

۶. Catechism. به کتاب راهنمای عمومی در باب اعتقادات و احکام یک فرقه گفته می‌شود که معمولاً به شیوه‌ی پرسش و پاسخ می‌باشد.

کتاب‌های عهد عتیق و عهد جدید را کلاً و تماماً و با همه اجزایشان، کتاب‌های مقدس و قانونی می‌داند.^۱

در طرف مقابل، پروتستان‌ها کتاب مقدس را یگانه قاعده ایمان می‌دانند. آنان دیدگاه کلیساهای کاتولیک و ارتدکس را به شدت مردود می‌دانند و معتقدند اقتدار و مرجعیت کتاب مقدس در گرو تأیید آن از سوی هیچ مرجع خارجی نیست؛ بلکه کلیسای مسیحی تنها توانسته است اعتبار و تقدس این کتاب‌ها را کشف کند.^۲ از نگاه پروتستان‌ها، آسمانی بودن تعالیم کتاب مقدس و جلال و عظمت آن، ظاهر ساختن راه نجات انسان و کامل بودن هر یک از کتاب‌ها، بیانگر مقدس بودن این کتاب‌هاست.^۳ بنابراین کلیسا هیچ قدرتی در به رسمیت شناختن یا مردود شمردن کتاب‌ها نداشته است و تقدس کتاب‌ها را در درون آن‌ها باید جست.

این اختلاف نظر میان کاتولیک‌ها، ارتدکس‌ها و پروتستان‌ها زمینه‌ساز اختلاف دیگری در این مسأله شده است. از نگاه پروتستان‌ها، قانونی بودن هر یک از کتاب‌های عهدین، متوقف بر انتساب صحیح آن کتاب، به نویسنده آن است؛ زیرا دانستن این‌که یک کتاب تحت نظر روح‌القدس نگاشته شده، مبتنی بر دانستن نویسنده واقعی آن کتاب است. بنابراین پروتستان‌ها تلاش می‌کنند که از طریق شهادت یهودیان و شهادت حضرت عیسی ﷺ و رسولان او ثابت کنند چه کسانی هر یک از این کتاب‌ها را نوشته‌اند، اما کاتولیک‌ها هرگز ضرورتی برای صحت انتساب یک کتاب به نویسنده خاص نمی‌بینند. از نگاه آنان، معتبر بودن یک کتاب، مبتنی بر دانستن و شناختن نویسنده آن نیست؛ زیرا چنان‌که گفته شد، قانونی بودن هر کتاب، فقط متوقف بر اعلام آن از سوی کلیساست.^۴

کتاب‌های قانونی عهد قدیم از نگاه فرقه‌های مسیحی

میان مسیحیان در مورد تعداد کتاب‌های قانونی عهد قدیم، اختلاف نظر فراوانی وجود دارد. یکی از مهم‌ترین علل این اختلاف نظرها به دیدگاه آن‌ها در مورد ترجمه سبعینیه^۵ باز می‌گردد. از آن‌جا که ترجمه سبعینیه نیز یک نسخه ثابت ندارد و به مرور زمان، کتاب‌های آن تکمیل گردیده، تعداد

۱. همان، ص ۲۲۹.

۲. همان: ۲۰۸.

۳. ال‌امی رکانی، ۱۸۸۸، ج ۱، ص ۶۶.

۴. همان، ج ۱، ص ۶۶.

5. Septuagint (LXX).

کتاب‌های این ترجمه متفاوت است و همین مسأله به اختلاف نظر بیشتر در مورد تعداد کتاب‌های قانونی دامن زده است.

به طور کلی کلیساهای پروتستان، به پیروی از هیرونوموس (جروم)، کتاب‌های اضافی در ترجمه سبعینیه را غیر قانونی می‌شمردند. به اعتقاد پروتستان‌ها تنها آن دسته از کتب عهد عتیق را که در کتاب مقدس عبری وجود داشته‌اند (یعنی ۳۹ کتاب)، می‌توان مقدس و قانونی خواند و آن‌ها از این نظر، با یهودیان هم عقیده‌اند (مک گراث، ۱۳۸۵، ص ۲۰۸). البته در ابتدای شکل‌گیری مکتب پروتستان و تا مدت‌های زیادی این کتاب‌ها، از مجموعه کتاب مقدس حذف نشدند، بلکه به عنوان ملحقات کتاب مقدس در آخر آن درج می‌گردیدند، اما از قرن نوزدهم میلادی به بعد، این کتاب‌ها کاملاً از مجموعه کتاب مقدس پروتستان حذف شدند (الطرزی، ۲۰۰۱، ص ۲۱).

در این زمینه کلیسای انگلیکن هم با کلیساهای پروتستان هم‌عقیده است و این کتاب‌ها را مقدس نمی‌داند. البته از نگاه انگلیکن‌ها، نمی‌توان ارزش این کتاب‌ها را انکار کرد، بلکه می‌بایست از آن‌ها برای استفاده در امور معنوی استفاده کرد و آن‌ها را سرمشقی برای زندگی روحانی قرار داد (مولند، ۱۳۸۱، ص ۲۱۹).

شایان ذکر است که در دوران حاضر، اتفاق نظر کاملی میان الهی‌دانان پروتستان وجود ندارد به خصوص آن‌که اکتشافات قمران و دیگر اکتشافات جدید، سبب شد تا برخی از الهی‌دانان در مورد این کتاب‌ها اقدام به تجدید نظر کنند (الطرزی، ۲۰۰۱، ص ۲۱).

کلیساهای کاتولیک و ارتدکس، ترجمه سبعینیه را معتبر می‌شمردند. البته کلیسای روس تحت دیکتاتوری پترکبیر برای مدتی استفاده از متن یونانی را ممنوع ساخت، اما بعدها قانون ارتدکس به جای خود بازگشت و کتاب مقدس یونانی (ترجمه سبعینیه) مرجع معتبر در این کلیسا پذیرفته شد (مولند، ۱۳۸۱، ص ۴۹).

فهرست کتاب‌های قانونی اولی و ثانوی

گفته شد که ۳۹ کتاب موجود در متن عبری کتاب مقدس، کتاب‌های «قانونی اولی» نامیده می‌شوند. از کتاب‌های اضافی موجود در ترجمه سبعینیه هم با عنوان «قانونی ثانوی»^۱ یاد می‌شود؛ اصطلاحی که از قرن شانزدهم میلادی یعنی از زمان

1. Deuterocanonical.

پاپ سیکتوس رایچ گردید (الطرزی، ۲۰۰۱، ص ۱۸). کتاب‌های قانونی اولی که همه فرقه‌های مسیحی پذیرفته‌اند، عبارت‌اند از:

۱. پیدایش، ۲. خروج، ۳. لاویان، ۴. اعداد، ۵. تثنیه، ۶. یوشع، ۷. داوران، ۸. روت، ۹. اول سموئیل، ۱۰. دوم سموئیل، ۱۱. اول پادشاهان، ۱۲. دوم پادشاهان، ۱۳. اول تواریخ ایام، ۱۴. دوم تواریخ ایام، ۱۵. عزرا، ۱۶. نحمیا، ۱۷. استر، ۱۸. ایوب، ۱۹. مزامیر، ۲۰. امثال سلیمان، ۲۱. جامعه، ۲۲. غزل غزل‌های سلیمان، ۲۳. اشعیا، ۲۴. ارمیا، ۲۵. مراثی ارمیا، ۲۶. حزقیال، ۲۷. دانیال، ۲۸. هوشع، ۲۹. یوئیل، ۳۰. عاموس، ۳۱. عوبدیا، ۳۲. یونس، ۳۳. میکاه، ۳۴. ناحوم، ۳۵. حبقوق، ۳۶. صفتیا، ۳۷. حجی، ۳۸. زکریا، ۳۹. ملاکی.

کتاب‌های قانونی ثانوی عبارت‌اند از: طوبیت^۱، یهودیت^۲، استر (اگرچه این کتاب در نسخه پروتستان وجود دارد، اما در نسخه یونانی باب‌های بیشتری دارد)، حکمت سلیمان، سیراخ^۳، باروخ^۴، نامه ارمیا (این کتاب گاهی در ادامه کتاب باروخ ذکر می‌شود)، اضافات کتاب دانیال: دعای عَزْرَبَا^۵، سوسنه^۶، بل و اژدها^۷، اول و دوم مکابیان^۸.

در میان کلیساهای مختلف شرقی، کتاب‌های دیگری نیز به مجموعه کتاب‌های قانونی افزوده شده‌اند. به همین دلیل هر یک از این کلیساهای، کتاب مقدسی متفاوت با دیگران دارند. در کلیساهای ارتدکس یونانی و روسی، کتاب‌های اول اسدرا، دعای منسی^۹ و سوم مکابیان به کتاب مقدس افزوده شده‌اند. همچنین مزمور ۱۵۱ نیز به کتاب مزامیر افزوده شده است. در کتاب مقدس اسلاوی^{۱۰} کتاب دوم اسدرا نیز به این مجموعه افزوده شده است. کلیسای ملی اتیوپی هم دو کتاب اینوخ^{۱۱} و سال‌های ژوبیله (ژوبیله‌ها)^{۱۲} را در کتاب مقدس خود گنجانیده‌اند.^{۱۳}

1. Tobit.
2. Judith.
3. Sirach (Ecclesiasticus).
4. Baruch.
5. the Prayer of Azariah.
6. Susanna.
7. Bel and the Dragon.
- 8.1 and 2 Maccabees Esdras - توضح: اسدرا، تلفظ یونانی نام عزرا است.
9. Prayer of Manasseh.
10. The Slavonic Bible.
11. Book of Enoch.
۱۲. Jubilees. توضح. تلفظ رایج انگلیسی این کلمه، «جوبیلی» است اما تلفظ صحیح عبری آن «یوول» است. در این نوشتار، نگارش آن را بر اساس نگارش رایج تر فارسی درج کرده‌ام.
13. Manser, p, 2009, Martin H. 464.

نتیجه

در طی بیش از هزار سال یعنی از زمان حضرت موسی علیه السلام تا قرن دوم پیش از میلاد، ده‌ها کتاب به نگارش در آمد و همین مسأله کار انتخاب کتاب‌های معتبر را دشوار ساخت. در این که کتاب‌های مقدس در چه زمانی قانونی خوانده شدند، اختلاف نظرهای فراوانی وجود داشته است. پژوهش‌های اخیر، تا حدود زیادی این عقیده سنتی یهودیان را تقویت کرد که هر یک از کتاب‌های عهد عتیق، به مرور زمان و مدتی پس از نگارش، در میان جامعه رواج یافته و تدریجاً قانونی و مقدس شمرده گشت.

البته در مورد اسفار خمه یعنی کتاب تورات، مسأله تا حدودی فرق می‌کند؛ زیرا اشاره شد که ریشه‌های قانونی شدن را به حضرت موسی علیه السلام بازگردانده‌اند. اگر این عقیده را که ریشه در خود کتاب مقدس دارد، بپذیریم، باید قبول کنیم که قانونی شدن تورات در زمان حضرت موسی علیه السلام آن‌جام شده است. حال این سؤال پیش می‌آید که چرا هیچ‌یک از دانشمندان، تاریخ قانونی شدن تورات را به زمان حضرت موسی علیه السلام بازنگردانده‌اند؟ در مواجهه با این اشکال به نظر می‌رسد که باید تفکیکی میان تورات در زمان حضرت موسی علیه السلام و تورات کنونی قائل شویم. توراتی که در عصر حضرت موسی علیه السلام وجود داشت، در همان زمان قانونی و مقدس دانسته شد؛ چنان که خود حضرت موسی علیه السلام دستور داد که این کتاب را برگزید و بخوانید. اما در مورد تورات کنونی که به دلایل و شواهد فراوان، به روشنی می‌دانیم کاملاً متفاوت با تورات زمان حضرت موسی علیه السلام است، می‌توان گفت تاریخ قانونی شدن آن بسیار متأخر از تورات زمان حضرت موسی علیه السلام است و به عصر عزرا باز می‌گردد. طبق گزارش کتاب مقدس، عزرا کتاب تورات را بازنگاری و تنظیم کرد. بنابراین به احتمال قوی، به صورت رسمی نگارش این مجموعه در سال ۳۹۸ م بوده و از آن زمان قانونی گردیده است.^۱ دیگر کتاب‌های عهد عتیق نیز نه در یک زمان خاص، بلکه به مرور زمان در جامعه یهودی قانونی دانسته شده‌اند.

نکته دیگری که در مسأله قانونی شدن باید مورد توجه باشد، تفاوت قانونی شدن عهد عتیق در میان یهودیان و مسیحیان است. شواهد موجود، نشان از آن دارد که این مجموعه حداکثر در قرن دوم میلادی از سوی جامعه یهودی پذیرفته شد و درباره اش اتفاق نظر پدید آمد، اما در جامعه مسیحی هرگز اتفاق نظری در مورد عهد عتیق به وجود نیامد و از ابتدای ظهور مسیحیت تا به امروز، همواره در مورد تعداد کتاب‌های قانونی و مقدس، اختلاف نظر وجود داشته دارد.

۱. الطرزی، ۲۰۰۱، ص ۱۸.

منابع

منابع فارسی و عربی

۱. الأمیر کانی، قس جیمس انس (۱۸۸۸). نظام التعليم فی علم اللاهوت القويم، مطبعة الأمیر کان.
۲. آنترمن، الن (۱۳۸۵). باورها و آی ینهای یهودی، ترجمه رضا فرزین، قم: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول.
۳. پیترز، اف ئی (۱۳۸۴). یهودیت مسیحیت و اسلام، ترجمه حسین توفیقی، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۴. تیسن، هنری (بیتا). الهیات مسیحی، ترجمه ط.
۵. میکائیلیان، انتشارات حیات ابدی.
۶. رام، برنارد؛ علم تفسیر کتاب مقدس در مذهب پروتستان؛ آرمان رشدی.
۷. الطرزی، الدكتور ابراهیم سالم (۲۰۰۱). ایجرافا و أبوکریفا العهد القديم؛ بینا، چاپ اول، الكتاب الأول.
۸. کهن، دکتر ابراهام (۱۳۸۲). گنجینه‌های از تلمود، ترجمه امیر فریدون گرگانی، انتشارات اساطیر.
۹. محمدیان، بهرام و دیگران (۱۳۸۰). دایرةالمعارف کتاب مقدس، انتشارات روز نو.
۱۰. مک گراث، الستر (۱۳۸۵). درآمدی بر الهیات مسیحی، ترجمه عیسی دیباج، کتاب روشن.
۱۱. مولند، اینار (۱۳۸۱). جهان مسیحیت، ترجمه محمد باقر انصاری و مسیح مهاجری، انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم.
۱۲. میشل، توماس (۱۳۷۷). کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۱۳. وان وورست، رابرت ای (۱۳۸۴). مسیحیت از لابالی متون، ترجمه جواد باغبانی و عباس رسولزاده، انتشارات موسسه امام خمینی، چاپ اول.
۱۴. یوسف خلیل، الدكتور القس صموئیل (۱۹۹۳).
۱۵. المدخل الی العهد القديم، دارالثقافة المسيحية.

منابع انگلیسی

16. Achtemeier, Paul J. (ed.) 1996. Harpercollins Bible Dictionary, Harper San Francisco, 2, 1996 nd Ed.
17. Ackroyd, P. R. and Evans, G F. (eds.) (2008). The Cambridge history of the Bible, Cambridge University Press, vol..1
18. Carson, Thomas and Cerrito, Joann (Project Editors)
19. New Catholic Encyclopedia, Gale, 2 nd ed., vol..12

20. Davis, Kenneth C. 1998.
21. Don't Know much about the Bible, HarperCollins Publishers.
22. Ehrman, Bart D. (2005). Misquoting Jesus, HarperCollins e-books, 1st ed.
23. Encyclopedia Judaica, vol 16,p..30.
24. Eusebius, Church History,3/10/1 in: Nicene and PostNicene Fathers, Series II, Vol. I 8. L. Geisler, Norman(1999). Baker Encyclopedia of Christian Apologetics, Baker Books.
25. Manser, Martin H.(2009). Critical companion to the Bible, Facts on File, New York.
26. Peter Byrne and Leslie
27. Houlden (1995). Companion Encyclopedia of Theology, Routledge, 1,1995 st Ed.
28. Rogerson, J. W. Judith.
29. M. Lieu (2006). The Oxford Handbook Biblical Studies, Oxford University Press, 1st Ed. 12. Trebolle Barrera, Julio
30. (1998) The Jewish Bible and the Christian Bible, Trans. Wilfred G.E. Watson, Brill.
31. Van Der Toorn, Karel (2009). Scribal Culture and the Making of the Hebrew Bible, Harvard University Press.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 برتال جامع علوم انسانی